

صاحب‌نما: دبیر سرویس وگترین
محل اداره
تهران: سه راه سیروس
نشانی تلگرافی: ایرال

دبیرستان

بهای اشتراك
شماره ۱۰۰۰ ریال
اداره درك و اصلاح ودرج علات
وارده مدار است
نگشماره ۲۰۰۰ ریال

سال دوم شماره ۶۹ روزهای پنجشنبه منتشر میشود ۹ اردیبهشت ۱۳۲۷ ۷۰ نوبت ۵۷۰۸

چه نقشه خطر ناگهی در کار است؟

جشن توزیع لباس در دبیرستان

طبق دعوتی که روز پنجشنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۲۷ از طرف دبیرستان بقیه در صبح ۳

جلسه مطبوعاتی در هتل فردوسی

احادی که بشطور دفاع از آزادی و مبارزه علیه دیکتاتوری بین جرایم پایتخت بوجود آمده است نمونه بارزی از رشد اجتماعی ملت ایران و مایه کمال امیدواری است که بنا بقول آقای حاجی زاده نماینده مجلس شورای ملی نمیتوان تصور کرد که بار دیگر در ایران دیکتاتوری برقرار شود.
در تقیبه دعوتی که در هتل فردوسی در هفته قبل از طرف آقای حجازی مدیر روزنامه وظیفه بعمل آمده بود روز یکشنبه ۲۷ اردیبهشت دعوت دیگری برای ادامه همکاری و هم بستگی مطبوعات

اینهه تملق گوئی برای چیست؟ میگویند روح شهادت و عزت نفس را در دانش آموزان بگشند

مدتی است با تاخوری لوس و زنده ای بگرفته تبلیغات خوم و خطر ناگهی در زیر پرده عوام فریبی ادامه دارد.
در زیر عنوان «خدمت بوع» دستگیری از فقرا، کمک به دانش آموزان بی بضاعت و از این قبیل ادعاها سعی میکنند مردم را بتملق گوئی نسبت ببندند نظر مین وادار کنند.
مثل اینکه نقشه ای منظم در کار است، در تمام معانی و مجالس از مسجد و کتبه و دروغخانه گرفته تا دبستان و دبیرستان مجالس نادی و مراسم تعریف از همت بزرگ و اولاد دوستی زیاده از حد، متولیان است و با تبلیغات خاصی از آنها و از اعمال غیرخواهانه و بزرگ منشا، و از خانم بختیهای آنها یاد میکنند و نام آنها خود آنها را تجلیل مینمایند.
الفاظ در تلق گوئی و تجلیل چند لایه از آن است که حتی اشخاص بی اطلاع را هم متوجه خطر این رویه ناپسند عوام فریبانه میکند. کار چاپلوسی بجای رسیده است که حتی دست اندازی در دبستان ها و دبیرستان ها هم شده است. اشعار و سرودهایی در مدح چند نفر تنظیم میکنند و دانش آموزان را به خواندن و تکرار آن وادار مینمایند.
میخواهند چنین وانمود کنند که زندگانی و حیات جامعه بینه بیهمت و بیاهم است و بقیه در صبحه

((باغ)) خستگی و کسالت روح را با گردش در دامن طبیعت ازان از خود دور کنید

برای پذیرائی شما در باغ ((افسریه)) و ((معضدالملك)) در روز ((سال پسخ)) تمام وسایل سرگرمی و سرور فراهم است

ما از گفته خبر اتخان سند میکنیم

در روز جشن توزیع لباس در دبیرستان اتحاد و تفکیک آقای دکتر منتجب از طرف انجمن گلستان (حیرا) شروع بخواندن خطابه خود نمودند بگمترتبه رشته سخن را که در اطراف دبیرستان و توزیع لباس و مطالب مربوطه بیان بود بسوی انتخابات گذارند که سبب حیرت شنونده گان شد و وعده ای اظهار کردند «امروز که جشن توزیع لباس است چه ربطی با انتخابات دارد؟»
آقای دکتر منتجب ضمن اظهار عقیده در باره انتخابات چند نکته ای متذکر شدند که مایه تامل آنرا ملاك ادعای خود بر موافقت حیرا باوریه و اعمال او و یاد و ما شب فراردهیم.
گفتند «انتخابات آزاد بوده است و هر کس میتواند آزادانه رای بدهد»

بهار بر نشاط و سرور نوید نوشدن سال را میدهد. رنگ هم از دل باید زدود، خستگی و فرسودگیهای سال کهنه را باید از روح و جسم دور کرد، این همه اندوه و رنج این همه کوشش و زحمت این همه الم و ماتم برای چیست دمی هم از ملاق نشادهمنده زندگی برفوغای داخل شهر و کوچ و بازارهای تنگ و هوای سمود و آلوده آن خود را باید رعایتید.
ناگهی در تکاپوی اندوختن مال و تانگی در عذاب محرومیت، بگروز هم برای رهائی از این همه قید و بند خود را در آغوش نوازش دهنده طبیعت اندازید. دمی با طبیعت مهربان با طبیعت زیبا و نشاط آور، در هوای آزاد و روح بخش در دامن باغ و چمن و در پناه گلین و سایه دلنشین و زیبای درختان، بر کنار جویبار، بپای آهنگ دلپذیر ببلبلان بسر برید. عجب از این زندگی بگنواخت و بی تنوع خسته نشدید، پس بشناید، بشناید دوستان شما، باران و شغواران شما، ز سسکشان و طرقداران رفاهیت و آسایش شما، خیر اندیشان شما از مدتها پیش نیازمندی روح و جسم شما را به استراحت و نشاط و لذت به سرور و شرف پیش بینی نموده و در فکر شما بوده اند.
دو مرجع خدمتگذار و دوستدار جامعه و وسایل سرگرمی و شادمانی شما را برای یک روز تمام، که از هر قید و پابندی فارغ باشید و در دریای حظ و سرور و سرمستی غوطه ور گردید فراهم کرده اند.
بقیه در صبحه

قلم اوستا سلمونی دروغای شاخدار

نشاط و خوش حالی اونطور که بدیمی ها گلکنده روح آدمو تازه و باعث سیر حیری و سلامتی میشه. اینجا آدم مجبور میشه حق دس بعضی از خونده ای روزنومه بده که میکن روزنومه اسرائیل همیشه خوبه اما به کسری داره اونم قسمت نکاهی و خنده داره.
حالا آقای مدیر اجازه بدین به قلم خنده دار و اسه خونده ای شما بگیم که بایه کار، در کار کرده. با شیم هم مطلب خودمونو گفته باشیم و هم در شن برای اونای که از نکاهی بدشون نیاید به موضوع خنده داری بگیم.
اگر چه مطلب سر ماسلمونی هاست ولی بیب نداره همکاری من ایضاقت من بشن:
بعضی از کاسبا مثل درشکه بیرو سلمونی و دلاک حومی مخصوصا وقتی هفتی حرف شنومی و آن هی حرف میزنن وقتی هم سرغیرت بیان میکنه گوشای مشتری را از آوازی جور بیجور بیی نمیب نازان
یکی از سلمونی های دهان نزدیک بندر حادث کرده بود دروغ بگه از اون دروغای شاخدار که خونده دهانش واز میبونه
به روز تعطیلی که معمولا مردم اینطور روزها بیشتر توی کونای سلمونی پیدا میشن آقا سلمونی بیچی که میخواست درد کونو واکه قبل از اینکه بسامه بگه یادش افتاد امروز دیگه چه دروغی بگه که خندارو خوش بیاد اهر چه زور بفرش آورد چیزی در جشن پیدا کرد خیلی کسل شد هانت بسا خودش گفت

حیرا اینواشته است اشخاص را وادار برای دادن کند

حیرا اینواشته است اشخاص را وادار برای دادن کند ۲۰
۱۰۰۰۰ این بر موبطیبر اینهم کس نسبت بحیرا اعتراض میکنند بیورد است ۱۰۰۰۰
ماه بیی تعجب است انتخاباتیکه بنا بشهادت اکثر جرایم کشور و بنا با اعتراض و مخالفتی بسیاری از رجال و سیاستورن کشور و بیی بنا با نظایر عقیده بعضی از آزادی خواهان خارجی اینا آزادی در آن وجود نداشت. انتخاباتیکه در زیر سر تیره و اعمال خلاف قانون صورت گرفت، انتخاباتیکه در آن نوع روزنامه اسرائیل با ذکسر مدارک زنده آزادی نبودن آنرا ثابت نمود امروز حیرا ما میگوید آزادا بوده است.
ما در آنروز ما با کمال شهادت نمونه زمانی از اعمال خلاف وجدان قانون طرفداران اریه را نشان دادیم و کسب باره های اریه با شاستنامه هالا و متر اختام های دختر حسن «اریه را پنا جامعه ما میبوهاند و کبل کنند گفتم و نوش بقیه در صبحه

مشاهدات در همدان

بقیه از شماره پیش
یک قسم کلی که در تشکیلات همدان مشاهده میشود و بدینجهت این قسم در همدان وجود دارد اینست که حیرا همدان با وجود ذوق و استعدادی که در بین اهالی همدان مخصوصا جوانان موجود است نتوانسته است حرازت و جنبشی که برای ترقی و اعتلای هر چه جامعه ای لازم است بوسیله بسط سازمان خود برقراری کنه انبساط متوالی و تشویق و ترغیب مردم و شروع تبلیغات علیه اجتماعات و اصلاحی و فرهنگی در میان اسرائیلیهای همدان ایجاد نماید.
بطوریکه مشاهده شد تا بل توسعه تشکیلات و ایجاد حرارت و فعالیت در بین مردم و جوانان بعد کامل وجود دارد ولی از قرار قرآنی که مشهور است مخالفتیهای از طرف اشخاص منبئی بعمل می آید که جوانان را معذور کرده اند



هنسو سیاور مدیر دبیرستان اتحاد همدان

تفسیر اخبار کشور و جهان خارجه

بلاخره پس از هفت روز گرفتن وقت مجلس صرف وقت و با بودن استیضاح کنندگان که رویه زنده ۵ نفر نماینده از آقای حکیمی استیضاح نموده بودند.
دولت آقای حکیمی از ۸۸ نفره حاضر در مجلس را اکثریت ۶۷ رأی دولت خویش را نماند از تئیت نمود ولی هنوز چند روزی است که رأی اعتماد گرفته نشده از قرار معلوم وره استیضاحی توسط نمایندگان « حزب دمو کرات ایران » تهیه شده و بیچین زودی مجلس خواهند برد.
بقیه در صبحه

سخنرانی بانو توران حمیدیه در جلسه سازمان بانوان ایران

بقیه از شماره پیش
سوم: لباس زانو همه میدانند که لباس خواب باید کشاد باشد مخصوصا برای کسیکه مدتی بی ذربی روز و شب باید در زخواب استراحت نماید، بدن و پستانهای زانو زیر لباس باید راحت باشد.
بطوریکه ذکر شد زانو در چند روز اول پس از زایمان مرق فراوان میشاید و خطر سرما خوردگی زیاد است برای جلوگیری از این عارضه بهتر است چه در تابستان و چه در زمستان بر او یک نیم تنه کرگی پوشانند.
پس از اتمام دوره زایمان لازم است که لباس زانو را طوری انتخاب نمود که هنگام شیر دادن احتیاج بیلا زدن لباس از پایین نداشته باشد ببلاره هیشطور که در اروپا مرسوم است.
بقیه در صبحه

بقیه از صحنه اول ...
 نامهای خیره کننده ای بر لبه لیبس غرود و طه که
 ناپاين پستانها بیابانه و موقع شیر دادن آنرا توسط
 پستی که دارد بگردان انداخته و از شکستگی که
 به سادات پستانها باز میماند اندک پستانها را پدهان مائل
 بگذارند بدون اینکه نام پستان در انظار مردم نمایان
 شود و این روش برای مجالس عمومی و گردشگاه ها
 و در اتوبوس و هر جاییکه احساس نفرت ز یاد باشد
 خیلی خوش آیند تر میباشد .

چهارم : دستگاه تناسلی زانو

هر روز صبح و عصر باید جلوزانو را با آب جوشیده و
 مملول بر منگنات و پنبه هیدروئیل شستو داد و
 اینکار باید توسط پستی در منزل که دارنده انجام شود
 تا باعث شستوی روزانه زانو باعث میشود که او
 را از خطر عفونت و دیگر بیماری خارجی که روی کپنه
 های کثیف است حفظ نماید. اغلب دیده شده که خانمها
 پس از زایمان در روز دوم با سوزن مبتلابیک خارش خارن
 الماده بین میشوند که بواسطه گذاشتن کپنه های کثیف
 و جمع شدن خون در موضع است .

روزی همین اصل بوده که در قدیم زانو را مجبور
 می کردند که روز سوم یا پنجم بحمام برود و مقدار
 زیادی میکروب را هم از اثرش و از دستگاه تناسلی خود
 نماید و بایک زایمان مدت یکسره زانو فیلنا بیوازش
 وحشی شود .

بطوریکه اگر از کپنه های نامرئانه احساسیه گرفته شود
 ۸۰ درصد خانمها مبتلا بپورم ورم یا التهابه نامی میشوند
 که علت آن بی بالائی در نظافت و مراعات بهداشتی
 ذودوره زایمانها و همچنین در دوره فاضلگی میباشد .
 بنابراین اگر شستوی روزانه انجام شود دیگر زانو
 احتیاج بپورم جوام رفتن ندارد .

پنجم : کپنه های زانو

همینطور که گفته شد از کپنه های کثیف ممکن
 است عوارض وحشی تولید شود بنابراین باید کپنه های
 زانو جواریه و تمیز و ساتو کرده باشد و بهتر است
 از پارچه سفید جلوار یا منقال با کرباس تهیه نمایند
 مقدار آن ۱۵ - ۲۰ تکه باشد که در موقع عوض
 کردن بقدر امکان موجود باشد تا از دوچار حسرت نشود
 دستمالهای زانو بنوبه خود این روز همی را
 در ابتلا به امراض وحشی بازی میکند که بی بالائی در
 شستن و زایلنگ آن خیلی باعث رست زانو خواهد
 شد .

ششم : پستان زانو

مراعات و مراعات اصول بهداشتی پستان
 زانو از واجبات است و مختصر سهل انگاری زانو را
 دچار عوارض و عواقب شوم دمل و آبسه پستان امده
 که اغلب منجر بشکستن آن میگردد و این عمل جراحی
 پستان گاهی دیده شده که باعث خشک شدن شیر کشته
 و دیگر نوزاد از شیر خداداد خود که حق مسلم اوست
 میباشد .

بنابراین در تمام مدتی که زانو در رختخواب
 خوابیده باید تمام وقت خود را مسموف نظاسات و
 دوشیدن پستان خود نماید مخصوصا نزد خانمهای اول
 زانکه احتمال بروز دمل و آبسه پستان بیشتر است باید
 مرتباً هر دو هفته که پستان ترشح شیری مینماید مقداری
 را بیجه خوراید و مابقی را دوشیده خارج
 نماید اگر ترشح شیری پستان زیاد است باید
 بیارچه نموده و دستور مواظبت از پستان را بیکرند
 گذاشتن کیسه یخ و خوردن مسهل در اینورد خیلی مفید
 است و اگر برعکس ترشح کم باشد با خوردن مایعات
 فراوان مثل شیر گاو و آب میوه جات آبجو مقدار شیر
 زیاد خواهد شد .

مغزخانی بانی توران حمیدیم

اغلب دیده میشود که زانوهای مبتلابه و زخم
 لوک پستان میشوند و در موقع شیر دادن چنان دچار
 زحمت میشوند که حتی از دادن شیر بطرف خویش خود
 داری مینمایند .

در نتیجه شیر داخل پستان جمع شد . دید کوله هالی
 مینماید و میکربهای مختلفه در نتیجه . بالای زانو
 از راه لوک پستان وارد اوله های دیمی شده و تولید
 چرک و آبسه پستان مینماید که مدتها با در زحمت و
 درد زانو گشته قوای بدنی زانو را تحلیل میرسد .

بنابراین برای جلوگیری از خطر بروز زخم لوک
 پستان لازم است که در دوره بار داری لوک پستان را
 با دوا های ضد عفونی از قبیل الکل گلیرینه و غیره با پستان
 نودومینین پس از زایمان مرتباً با اسپریک یا الکل
 با پستان نموده و در موقع شیر دادن با آب جوشیده تمیز
 نمایند .

هفتم : درجه حرارت زانو هر روز صبح و عصر
 باید درجه حرارت زانو از راه دهان گرفته شود و در
 صورتیکه از میزان طبیعی زیادتر باشد بد کتر یا ماما
 مراجعه شود تا علت بروز آنرا کشف نماید چه بسا اتفاق
 افتاده که در اثر سهل انگاری و بیخالی اینکه تب شیر
 است امهیتی نداشته اند تا تولید عفونت های مختلفی از
 قبیل دمل پستان یا عوارض وحشی و غیره نموده که حتی
 منجر بمرگ بیمار گردیده است .

هشتم : جلوگیری از بی قسورگی

اعضاء بدن مثل شدن عضلات شکم

و پستانها اثر خالهایس از یکدیگر در زایمان زیبایی
 اندام خود را از دست داده پستانهاشل و آویخته با عضلات
 شکم شلو بر کتر از حال طبیعی بنظر میرسد عده ای
 از خانمها امهیتی باین موضوع نمیدهند در صورتیکه
 هنوز سینه دوره جوانی را طی مینمایند (البته بظاهر)
 میگویند مادیکر پیر شده ایم و احتیاجی بر زیبایی اندام
 نداریم و عده دیگر برعکس این طایفه چنان بزبانی
 اندام خود اهمیت داده که از ترس تولید زشتی اندام
 مانع بروز آبسنی شده و با اگر آبسن شدن بهانه
 های مختلفی از قبیل ضعیف بودن او کم بودن شیر
 نوزاد را از شیر خداداد طبیعی مادری محروم نموده و
 بدایه میسازند و بیخالی خود از ابتلاء بزبانی اندام
 خود کمک شایانی مینمایند .

در صورتیکه هر خانمی میتواند دوره آبسنی
 وزایمان و شیر دادن را بطور طبیعی گذرانده و انجام
 وظیفه نماید و علاوه بر اینکه بزبانی اندام آنها اطمینان
 وارد نمی آید بادر نظر گرفتن و مراعات دستورات
 زیر امضاء مختلفه بدن کارهای طبیعی خود را انجام داده
 و بزبانی آنها نیز افزوده خواهد شد .

برای جلوگیری از زرد شدن عضلات
 شکم

مراعات و انجام دستورات زیر مفید است:
 اول : پس از وضع حمل شکم زانو را به بندید
 زودتر از موقع مسول به روز پنجم یا ششم (۱۵-۲۰)
 نه نشیند و زود تر از موقع یعنی روز ۲ - ۸ بر راه
 نیاند .

دوم : ورزش ها، عضلاتی که باید از مادام دستور
 گرفته شود از قبیل ورزش دورانی با هوار آنها، بلند
 کردن هر دو پا تا سر تخت بطوریکه زانو خم نشود بلند
 کردن پای راست خیلی آهسته که تا به لبه تخت برسد
 در صورتیکه پای چپ بحال عادی دراز کشیده برعکس
 و عسیره .

سوم : خوابیدن بروی شکم از روز چهارم بعد
 اگر زانو تب داشته باشد از روزی ده دقیقه شروع
 نموده و مدت آنرا اضافه نماید تا یکسره بنح مسامت
 برساند .

برای جلوگیری از پایین افتادن و خل شدن پستان
 هامیتواند پستان بند به بند بشرطیکه خیلی محکم
 بسته نشود و فشار وحشی به پستانها وارد نیاید بلکه
 پستانها بطرف بالا کشیده شود و زوهای مختلفه در
 این مورد عالی از لایحه نیست .

نهم : تاریخ و طرز بلند شدن زانو از تخت

باید زانو یکسره از تخت بلند شده بر راه
 بیاند و مشغول کار شود عضلات و اعصاب بدن زانو
 پس از زایمان خیلی مست و ضعیف مینباشند و ضعیف به
 دوره نقاهت امراض مختلفه است که آهسته آهسته باید
 دوباره آنها را بسلیخت و کار های طبیعی خودشان
 وادار نمود بهین دلیل باید زانو از روز چهارم
 شروع به نشستن نماید و بروی شکم بخوابد و روز
 پنجم مدت آن را اضافه نماید روز ششم با هایش را بر
 روی لبه تخت آویزان نماید و شروع بوزنشهای
 موقتی و سبک نماید و روز دهم از تخت میتواند پایین
 بیاید و روز ۱۵ در صورتیکه خونریزی نداشته و
 حرارت طبیعی باشد .

و وضعیت اعضای تناسلی سیر طبیعی خود را
 انجام داده باشد (به تشخیص ماما) میتواند حمام برود
 و دوامه پس از زایمان لازم است که زانو خود را به
 مسامشان دهد تا در صورت بروز عوارض وحشی پس
 از زایمان تشخیص آن داده شود و هر چه زود تر
 معالجه شود .

دهم : طرز عیادت زانو در ۲۴ ساعت اول

احتیاج بیک استراحت کامل دارد و باید او را از سر
 وضاد و همه و همه و شلوفی دور نمود مخصوصا از دادن
 شیرهای وحشت آور و نقل موضوعهای ناآر آور نزد
 زانو باید خودداری شود . چه علاوه بر امراض روحی
 و عصبی که ممکن است عوارض از خود شیرهای وحشت
 انگیز باعث کم شدن یا خشک شدن شیر نیز می شود .

در این مدت کسان زانو باید از دیدن بازدید
 های طولانی و حرفها و کت و شنوده های بی مورد
 خودداری نمایند و مانع استراحت روحی و جسمی زانو
 نشوند در روزهای پنجم نشستن پهلوی زانو ساعتی
 نمادای و صرف زدن از این درواز و تمهه شکستن
 و قلیان وسیکار کشیدن جایز نیست .

از بوسیدن سر زوئی زانو مخصوصا نوزاد
 بکلی باید خود داری کرد و لازم است این نوع
 دیدن بازدید ها خاتمه داده و باقیدهم بکدسته کل عرض
 تبریک در مدت چند دقیقه خاطر زانو را شاد کرد . در
 زایشگاهها اغلب دیده میشود بدون اینکه عیادت
 کنندگان کترین توجهی بمراعات قوانین زایشگاه
 داشته باشند ساعتی متوالی بروی تخت زانو نشسته
 و از هر دری سخن بیان میاورند و گاهی هم باعث ناآرامی
 و اشک ریختن زانو میگردد بعضی مامانان میکربهای
 مختلفه از محیط خارج به داخل اطباق زانو شده و پس از
 رفتن زانو را مبتلا به بیماریهای گوناگون مینمایند و
 اغلب تا از طرف کارکنان زایشگاه بانها تذکرو یا حتی
 برخاشی نشود امهیتی بوقت و ساعت خود نمیدهند و باعث
 خشکی زانو میشوند باید همیشه یک یا چند صندلی در
 کنار تخت زانو موجود باشد که تازه واردین بروی آن
 بنشینند تا از نشستن بروی تخت خواب زانو خودداری
 نمایند و همینکه تازه وارد دیگری آمد با خدا حافظی
 جای خود را بنازه وارد تقدیم نمایند .

ماز گفته حیران انخاد صند میگویند

بقیه از صحنه اول
 و مدارک را بدست آوردیم که از اسنادنامه های اطال و مردگان و زانو استفاده
 کردند و نفرو میباشند برای دادن مجبور کردند با هلیات جانورگی ورد و
 خورد و در بنام سریره آزادی را از نوده و امانی مردم سب کردند .
 انتهایات ماکه با چنین وحشی گدشت تازه حیران میگوید :
 دانتهایات آزاد بوده است و زنده میگوید :
 «... ریطی بجرا ندارد...»

عجب پس معلوم است که حیرا بازو به ازبه و هواخواهانی موافق بوده
 است و در واقع میتوان گفت یک قسمت از مملکت خائنه از به و باد و هایش منکی
 بر موافقت پائینی حیرا بوده است و وقتی که حیرا با ادای کلمه «انتهایات آزاد»
 از آن انتهایات دفاع میکند میخواهد بپسندد که هل از به و طرفدارانش مشرور
 و قانزای بوده است .
 اکنون که کار باینجا رسیده است و مادر مقابل هل انجام شده فنار
 گردانیم ، مردم ملوک و محروم اسرائیل ایران در برابر هزاران تیر تها و
 تهریک و آزار و فشار و فقر قرار گرفته تازه حیران میگوید «مربوط بجرا نیست
 و هر گوه اعتراضی نیست بجرا بیسورد است...»

اگر این امر حیاتی این موضوع سیاسی و اجتماعی که با سر نوشت و
 حیثیت جامعه ما سروکار دارد حیرا مربوط نباشد پس یکی و کجا مربوط است
 حیرا که بنام جامعه بهبود ایران دارای شخصیت حقوقی است و فقط از نام شرایط
 لازمه دارای یک عنوان دهان برکن است پس برای چه کاری بدرد مایخورد
 آیا فقط وظیفه اش سروکله زدن با چند قصاب و برحرفی کردن درباره چند باب
 مدرسه نیه و پراخ است ؟

واقعا چشم جامعه ما روشن بامنطق چنین رجال و بزرگانی که داریم
 بعد از این مردم چه نمی خواهند داشت چون چنین افرادی شایسته دانسا و
 سیاستدار و با منطق ادراکند ، مردم میتوانند از این بیسه مطمئن باشند که بایک
 اظهار عقیده «بجرا مربوط نیست...» تمام کارها درست شود و منجلا ب و
 چنین زانگی آنها از بین همت و لیس مبارک حیرا لیون تبدیل به بهشت
 برین گردد .

داخله

بقیه از صحنه اول
 دولت حکمی که نقاط ضعف سیاست
 داخلی و خارجی آنرا اغلب از نایبندگان
 بطور وحوش آشکار نموده تا نخواهد
 روی یک اصل مسلم و صحیح تکیه کرد و در
 خویش را بطلع اکثریت ملت ایران عمل نماید
 نخواهد توانست وضع دولت خویش را ثابت
 نگهدارد ملت ایران که از هر گونه
 نعت آزادی محروم گردیده و بتازگی
 هم خنجر دیکتاتوری فرود ملت ایران
 را تهدید میکند با کنگرانی کامل بساین
 اوضاع منبکد .

مشکل شدن و نزدیک شدن مدبران
 جرایم علیه دیکتاتوری ، تنفر شدید ملت
 ایران را از خطر دیکتاتوری میرساند .
 ملت ایران که سالها دو تحت رژیم حق
 نس کشیدن هم نداری «بسر برده دیگر
 نخواهد توانست با وضع فاسخ اوضاع
 اقتصادی و تیره شدن اوضاع سیاسی کشور
 خویش با یعنی از دولتهای بزرگ دنیا
 زندگی خود را اداره نماید بهتر است
 دولت آقای حکمی حیرا ملت ایران
 فدائاری دولت خویش را نشان دهد تا
 یعنی از نایبندگان مجبور با تبخیر کردن
 نشوند .

بسیاری تهیه کار برای بیکاران هر روز
 خبر از بیکار بودن عده از راه آهن یا
 سایر نقاط ایران بگوش میرسد آبادات
 مسئول خانواده های این بیکاران نیست .
 تا اوضاع اقتصادی ایران را درست نساید
 هر روز همین آتش است و همین کما و
 روز بروز بر شیل بدبختان تیره و زوان
 اضافه خواهد شد .

خواندگان عزیز

روزنامه اسرائیل برای حفظ حقوق و دفاع از اشامبارزه
 میکند و انکای آن فقط بیامه میباشد شما نیز بنوبه خود وظیفه
 خود را است بان انجام دهید . کوشش کنید عده بیشتر کن
 آن را زیادتر کنید زیرا همیشه هزینه آن بیشتر از در آمد آن
 است .

او میداند چه رنج و سختی هالی
 باید درین عهد نرزدنداش متحمل شوند
 او میداند اطالشی زسک شادی و نشاط
 را درین عهد نخواهند دید . و او در دل
 میشود نرزدنداش بخواب هیبتی فرورفته
 بود . دهنسر هست بنظرش در گوشه ای متاسف
 و غمگین نشسته منتظر بیوکه شایه
 شوهرش غدا بی دست آزرده باشد .
 ولی هیبت - همه افراد این خانواده
 امیدوار بودند نرزدندان باین خانواده
 کمک خواهند کرد پدر امیدوار بود
 لعظه ای هم نرزدندان بفکر او باشند و در
 شادی ها او را با خود شریک بدانند این
 فکری بود که بنظر هیچیک از نرزدندان
 راه نیافت بود زیرا همه بود وعید جز
 شادی و نشاط چیزی در بر نداشتند
 از این خانواده های ظنر و بیستند
 از این خانواده های بیچاره و تیره روز
 در میان ما زیاده و تنها امید آنان
 بیامه خود آنها و دست های غیر
 است .
 آباغنه آنهایی که هر کس گرفته
 است بیاید و تناول کند مرسل میتوانند
 بدین دستروایمان دارند .

مهرمان و نومییدی

پدر نالان و گریبان بادست خالی
 بپناه باز میگردد حرمان و نومییدی تا
 احسان جز این میتواند ریشه دوانیده سختی
 و مرارت درین شب عبید او را در بر گرفته
 در چه راهش جزاننده و غم چیزی نمیتوان
 دید .

پدر با حال زار نومیید و در مانده
 همه جا میزود ولی هیچ جا موفق نمی
 شود . حالا دیگر نیتیا بانهای جنوب شهر
 را طغی کرده است .
 اغلب دوستان خود را هم دیده است
 ولی هیچکدام حاضر نشده اند او را
 کمک نمایند ولی باز هم کوشش میکند
 تا شاید موفق شود اما خبری نیست .
حشمت و جلال
 مهبانان کم کم خانه راترک می
 کنند ولی همه از حشمت و جلال میزبان
 در تمجید .
 آنان همه بسوی منزل های خود
 رهسپارند ، خانه از مهبانان خالی میشود
 تازه اول شادی و خوشی است ، بساط
 عید و پنج بامتنهای شکوه و جلال بر
 روی میز چیده شده ، پدر و مسادر و
 فرزندان دوباره گرد هم جمع میشوند

پسبح پیروایان

آجیل در روی میزها دیده میشود امیل
 های گرم و نرم ، آنهک دنواز موسیقی
 بظربهای پراز مشروب ، خنده ها باقیه ها
 دست بدست هم داده منظره جالبی ساخته
 است همه میخورند و میباشند ، میکوبند
 و سرگرمند - آری مایهاتنه اشب که
 شب عبید پسح است جشن گرفته است اما
 در خلال این مدت ذره رحم و شفقت ، مهر
 و عطوفت برای دستگیری از بی نوا یان
 در خود احساس نکرده است .
 این بساط تا نیمه شب با خوشی و
 شادی ادامه دارد .

سختی و عذاب

پدر با حال زار نومیید و در مانده
 همه جا میزود ولی هیچ جا موفق نمی
 شود . حالا دیگر نیتیا بانهای جنوب شهر
 را طغی کرده است .
 اغلب دوستان خود را هم دیده است
 ولی هیچکدام حاضر نشده اند او را
 کمک نمایند ولی باز هم کوشش میکند
 تا شاید موفق شود اما خبری نیست .

حشمت و جلال

مهبانان کم کم خانه راترک می
 کنند ولی همه از حشمت و جلال میزبان
 در تمجید .
 آنان همه بسوی منزل های خود
 رهسپارند ، خانه از مهبانان خالی میشود
 تازه اول شادی و خوشی است ، بساط
 عید و پنج بامتنهای شکوه و جلال بر
 روی میز چیده شده ، پدر و مسادر و
 فرزندان دوباره گرد هم جمع میشوند

بقیه از صحنه اول

مهربان و بدتر زحمتکش و لغال ، امیدشان
 از هه جان فطرح شده دست خالی بسوی خانه
 آمده اند ، کودگان اگر سنگی بی تاب و توان
 ساخته ، مادر این منظره رامی بیند ، پدر
 باین اطال بیگانه که جز فان و بریشانی
 کثافی ندانند می نگرد ولی هر دو
 ناتوان و در مانده اند و چیزی ندارند تا
 این اطال را از گرسنگی نجات بخشدند .
 کم کم شب فرا میرسد ، تاریکی
 همه جا را فرا میگردد ، اشب شب عبید
 پسح است ولی اشب هم این تیره
 پستان مانده همیشه با شکم گرسنه سر
 بر بالین خواهند نهاد . این وضع اشفناک
 بغیر از بی نهایت خجل و شرمندگی ساخت
 خیل غل زبیرا نتوانست بود مانده بیکران
 از زان و فرزند مواظبت کند ، شرفنده
 گردید زبیرا با آنکه عید بود ولی
 فرزندان او مانده هر شب گرسنه خفتند
 و اگر شبهای قبل هم لااقل باینگه نان
 خشک سد جوع میکردند ولی امشب آن
 تکه نان هم نیست و طبق معمول همه
 موظفند فطرح بخورند ولی آن بیچاره
 که از خرید نان درمانده و عاجز است
 چگونه میتواند فطرح منی دریا بخورد
 پدر ، از فطرحش خدا حافظی کرد و در
 سالیکه نرزدنداش آرام و لغسین دروز
 لعاف منفرس و جز کین نموده بودند خانه
 را حرکت کند ، آرزوی بد میرفت تا غوزا کی
 بیاید و کودگان گرسنه اش را هلالی دهد .
سور و مهمانی
 مدعوین دهنه دهنه دست وارد میشوند ،
 او کتر شروع بشنه نوازی میکند ، همه
 شادند و سرخ ، تا چشم کار میکند میوه و

املاک ارزانی

بنگاه معاملات ملکی رهنا و برادران واقع در میدان دروازه شیران
 مقابل شعبه بانک ملی دارای زمینهای مناسب و آرزان در کلیه نقاط شهر مخصوصا
 در شیرانات است و برای همه گونه معاملات ملکی و غیر ملکی حاضر است
 ش - ۱ - ۲۸

جشن توزیع لباس در دبیرستان اتحاد

به از صلح اول
بین دانش آموزان بی چاهت دبیرستان
های اتحاد و کوش برقرار بود.
هده رباوی از رجاان و صبغات متنازه
در آن جشن حضور داشتند.

در سر لوحه برنامه جاها شده، این
که بین مدهوین هم نشاند چنین نوشته
شده بود:

جشن توزیع لباس بدانش آموزان
بی چاهت آموزشگاههای اتحاد و دبیرستان
کوش تحت ریاست دبیرستان اتحاد و
سرپرستی انجمن کلبیان با تسویه و
مراجهت مخصوص بانو کونکا و آقای
موسی الیاسیان روز پنجشنبه ۲۲/۲/۱۳۲۷
گرچه این جشن نسبت به سال های قبل
بسیار منظم تر و کامل تر بود و برنامه آن
سوی چند قسمت دارای تنوع مناسبی

بود ولی در همت ظاهری و باطنی از
زیبایی آن جشن کاست.

هلت ظاهری عبارت از باریدن در
موقع اجرای برنامه بود که نظم جشن را
بهم زد ولی با وجود آن که حقیقت مهمی
برای عموم ناپدید و آن این بود که
گرچه باران بر سر مدهوین باریدن
گرفت و از طرف دبیرستان این موضوع
پیش بینی نشده بود ولی علاوه بر صمیمیتی
که مدهوین نسبت به دبیرستان و اسور
فرهنگی با تحمل ریزش باران از خود
نشان دادند لئون الهاده قابل تحسین و
تحسین بود.

باران می بارید و همچنان برنامه
ادامه می یافت ولی مدهوین که فقط با
هوش کردن جای خود قناعت کردند
همچنان بشاهای برنامه مشغول بودند.

این هلاک مردم در آن روز حاکی
از سلیقتی بود که در خود تفسیر بیشتری
است مردم بفرهنگ دبستگی دارند
مردم میدانند فرهنگ پایه و اساس ترقی
آینده آنهاست میدانند که با بستی
بدرسه پیش از هر امر دیگری توجه
داشته باشند.

در آن ساعتی که باران می بارید
و نهادن طریق عادت همی میبایستی مصل
را ترک کنند همچنان در زیر باران ایستاده
بودند و با دامه برنامه توجه داشتند.
هلت باطنی که با بستی بیشتر مورد
دقت قرار گیرد يك نکته اشاشی است
که مورد توجه اغلب مدهوین قرار
گرفت و آن وجود يك روح تعلق گرمی
که در بعضی از قسمت های برنامه
بود.

این موضوع شایان بسی توجه است
که نباید خدمات عام المنفعه و اجرای
وظایف اخلاقی و اجتماعی را با آلودگی
های پست عده ای ناشایسته و هوام فریب
در اینست ولی با وجود این معلوم بود
که دستمای در تنظیم برنامه زبانه منظم
آن روز دخالت داشته است و تسلف و
چاپلوسی را در آن وارد نموده است.

من باب تذکر توجه اولیای امور را
باین موضوع مهم توجه می کنیم که نباید
وجود بی آلاشی و اخلاق باطلان مصلای
دانش آموزان را در قبال يك اقدام
اجتماعی که وظیفه هر فردی از جامعه
است آلوده نمود و آنها را وادار به
پهنظیم در برابر دیگران کرد زیرا دانش
آموزان امروز مردان فردا هستند
که با بستی پایه های اجتماع آینده را
بسرودش خود استوار کنند بنا بر این
شجاعت و مزدا ننگی و آزاده و شجاعت
بایستی شعار آنها باشد.

در این جشن قبل از سرود مهربانان
توسط دوشیزگان خوانده شد.
دین خیر مقدم توسط آقای کونکا
مدیر دبیرستان برپا فرامه گشته شد
که بعد توسط مادام کونکا ترجمه
گشتی از آن علاوه بر اجرای اظهار
گردد.

بعد سرود چهار فصل بزبان فرانسه
توسط دوشیزگان با حرکات بسیار
بازارده و شیوا و لباس های فشنک و زویا
خوانده شد.

این منظره که با حسن تبلیغ مجسم
شده بود در واقع نمونه ای از چهار فصل
بود.
اندام زیبا و قیافه های جذاب
دوشیزگان که با لباس های رنگارنگ
و خوش منظری مزین شده بود جلوه
خاصی داشت.

بسیار يك قطعه تکاهی تحت عنوان
> امتحان تیريك به توسط آقای پوست
سلیبایان دانش آموز دبیرستان خوانده
شد که بسیار جالب توجه بود.

این دانش آموز که در يك کلیه
الفن لرزشی را بازی میکرد که در موقع
طلولیت در دبیرستان و موقع امتحان
تلقب کرده بود پند و ذوق و استعداد
از خود نشان داد که مورد حیرت حضار
شده بود.

بازی این دانش آموزان بسیار
داد که در بین افراد جامعه ما استعداد
های وجود دارد که اگر تحت تربیت
و تعلیم صحیح قرار گیرند می توان
اشخاص برجسته و مهمی را در درجه های
مختلف هنری بوجود آورد.

ولی متأسفانه فعلا دست صوفی
مسلمان و درویش نشان برای خراب
کردن ذوقهای بیدار در کار است.
بعد از آن سرود همی توسط
دوشیزگان که حامل سبدهای پراز گل
بودند خوانده شد و آن نیز بنوبه خود
دارای زیبایی خوبی بود.

سپس سخنرانی آقای دکتر منتخب
رئیس انجمن کلبیان شروع شد.
سخنرانی ایشان بصورت خطابه و
بیابیه ای بود، گرچه برای استماع بیانات
ایشان سکوت کاملی برقرار بود ولی
متأسفانه صدای ایشان کمتر بگوش می
رسید فقط اشخاصی می توانستند بشنوند
که در چند قدمی قرار گرفته بودند
تمجب است دبیرستان با وجود این که
درباره این جشن دارای سابقه بوده و
همه ساله آقای دکتر منتخب صحبت
کرده بودند و بارها تذکر داده شده
بود که صدای ایشان مفهوم و مسموع قرار
نمی گیرد چرا میکروفون تهیه نشده بود
که تمام مدهوین بتوانند از جریبان کلتار
با اطلاع شوند.

البته کلتار ایشان در اوایل هفتاد
اطراف دبیرستان و تعداد شاگردان و
بوده و در آن وقت بود
ولی معلوم شد روی چه اصل و وجه
علتی موضوع اصلی که مربوط به تشریفات
آن روز بود رها شد.
ویکمزیه موضوع انتخابات رایش
کشیدند.

توزیع لباس داشت
البته این قسمت را خواننده کان گرامی
میتوانند در طی یک نامه (سراسر اظهار
شعور و خضوع و براف تعلق و اسرار
بندی گرامی) از خود حیرا سؤال کنند.
ولی قابل توجه اینکه چون مدهوین
بطرف انتخابات کشیده شد و مردم خود
دلی از انتخابات داشتند و کسی بود که
از معار انتخابات و هنر نایبهای اخیرا
و یادوهای آریه بی خبر باشد کسی روی
شوشی نشان نداد و تصور معرفت ابد
گوشی برای شنیدن این موضوع نبود
(مگر چند نفر که مربوط به جیرا
بودند یا میخواستند از عقیده سیرا
انتفاض سند کنند.)

مثل این که آسمان هم با مردم
همراه بود و راضی بود این موضوع
مورد گفتگو قرار گیرد.
بعضی اشاره به موضوع انتخابات
باران شروع شد و مدهوین با عوش
کردن جا نظم جشن را بهم زدند ولی
آقای دکتر همچنان سخنرانی خود
مشغول بودند.

پس از سخنرانی آقای دکتر
منتخب يك قطعه تکاهی توسط دانش
آموز خوانده شد.
گرچه این دو دانش آموز دل و
وظیفه خود را خوب بازی کردند ولی
قشعی که بعد از آن داشتند خالی از عیب
نبود و آن اقدام بشاق گویی در تحت
عنوان «سیاسکزاری» بود.
باران نظم برنامه را بر هم میزد
ولی قابل و علاقه مدهوین سرسخت تر
از اثر طبیعت بود.

بعد يك قطعه تکاهی (آموزگار)
توسط داریوش حبیب با حرکات بسیار
فشنک و موزون و بازارده خوانده
شد.

این دانش آموز کوچک و پویشترین
که با قد کوتاه و سن کوچکش گریه
شده بود و بشکل يك آموزگار پیر و
شکسته ای درآمد. بود با وجود صدای
پچکابه اش استعداد فوق العاده ای از
خود نشان داد که چندین بار سرود
تغییر حصار قرار گرفت.
بعد از آن سرود همی و سرود
اردو بهشت خوانده شد که آنهم بنوبه
خود برانگیزی و زیبایی خود را دارا
بود.

يك برده نمایش کنده در اطراف
بود.

مضرات الکلی نیز از طرف دانش آموز
دختر و پسر داده شد که بسیار جالب بود.
باریکتا، این نمایش هیارت بودند
از دوشیزه درخشان دوشیزه هلسن لادی
آقایان ایوان و سوزن زاده.

گرچه اثرات تجربیکی در حرکات
و بیانات آن مشاهده بود ولی درل های
شود را خوب ' اگر در چندین بار مورد
گفتگو در حصار قرار گرفتند مخصوصا
آقای سلیمان استعداد فوق العاده ای
از خود نشان میداد.

رو بهر تشریفات جشن چشم پوشی از
بعضی از قسمت های ضعیف آن آبرومند
بود.

در جریان تشریفات جشن ضمن
بیانات سخن رانها چندین نکته مسود
دقت قرار گرفت.
گفته شد ۱۵۰ دست لباس با مانده
مقداری باقی و کفش بدانش آموزان
بی بضاعت داده میشود ولی در واقع دو
هزار نفر مستحق گرفتن لباس هستند.
تعداد تمام شاگردان مدرسه ۲۶۰۰
نفر است.

با کفایت و وضع وقت باز جامعه
ما معلوم میشود یعنی از ۲۶۰۰ نفر
دو هزار نفر نیازمند و مستمند هستند.
واقعا بنسبت کیفیت رقم سر سام آوری
است این نمونه ای از اوضاع عمومی
جامعه ما است که باین نسبت معلوم و
تقریبا بی نیازها فزونی دارند.
نکته دیگری که قابل تذکر است این
است که اگر مالیاتی در اطراف دانش
آموزان بعمل می آید نتیجه برای دانش
آموزان تهران است و شهرستانها تقریبا
از این کوشش و دلوزی محروم هستند
زیرا اکثر تر و تنه شهرت آنها تهران
رو آورده اند که اغلب گنم و دور
از اجتماع اسرائیل زندگی میکنند.
در شهرستانها فقط مشتی فقیر و محروم
باقی مانده اند که زندگی خود را بسختی
اداره میکنند.

باین هلت اوضاع فرهنگی وضع
دانش آموزان مدارس اتحاد شهرستان
ها (بجز همدان) بسیار رقت انگیز
است که اگر از تهران توجهی به آن
ها نشود و اگر وجود تشکیلات صحیح
و منطقی بجای حیرای فعلی نداد آنها
نرسد ممکن است از این رشته راه باریک
فرهنگی هم محروم شوند.

موضوع دیگر که پیش از سایر
قسمتها بیان رفت است بودجه دبیرستان
اتحاد است.
چندی قول در طی يك مقاله اساسی
اشاره ای باین قسمت شد اینک با فرار خود
اولیای امور اتخاذ میکنند:

آقای دکتر منتخب ضمن بیانات
خود گفتند در آمد سالیانه مدرسه تقریبا
سی و شش هزار تومان است ولی هزینه
آن هشتاد و شش هزار تومان میباشد
تفاوت بین دو آمد و هزینه مدرسه پنجاه
هزار تومان است در واقع رقم بزرگی
است یعنی دبیرستان اتحاد در سال پنجاه
هزار تومان کسر بودجه دارد.

در اینجا دو مسئله مورد دقت است
یکی اینکه این بودجه سنگین از کجا
بوجود آمده و چگونه جور شده که باره
هزینه دبیرستان چندین برابر شده و چرا
تاکنون حیرا مردم را بی خبر گذاشته
است.

و دیگر اینکه این کسر بودجه از
کجا تامین میشود؟
تقریبا نیمی بقیه مخارج مدرسه تعبیلی
است که بطور غیر منطقی و غلط بلت
هدم وجود تشکیلات صحیح (بر مردم وارد
نمیشود. طبق اظهاراتیکه آقای دکتر
منتخب نمود دبیرستان همیشه در فشار مالی
بوده است. چرا این باید يك تشکیلات منظم
و وسیعی داشته باشیم که هم مردم را در
جریان حقایق بگذارد و هم بتواند به
آسانی بودجه مدرسه را فراهم کند. در
اینجا چون میدادیم این کسر بودجه بريك
عده همین و مشخص بلت نبودن آمار
لازمه تعبیل میشود میتوان حدس زد که
نظر مخصوصی در کار است و حیرا در
گذاشتن موضوع مالی مدرسه تسلی
دارد.

بازی جشن آنروز گرچه از لحاظ
تشریفات بسیار زیبا و آبرومندانه بود
ولی چون نکات ضعیف اصولی آن کاملا
هویدا بود از زیبایی آن قدری کاسته
بود.

بازی جشن آنروز گرچه از لحاظ
تشریفات بسیار زیبا و آبرومندانه بود
ولی چون نکات ضعیف اصولی آن کاملا
هویدا بود از زیبایی آن قدری کاسته
بود.

بازی جشن آنروز گرچه از لحاظ
تشریفات بسیار زیبا و آبرومندانه بود
ولی چون نکات ضعیف اصولی آن کاملا
هویدا بود از زیبایی آن قدری کاسته
بود.

بازی جشن آنروز گرچه از لحاظ
تشریفات بسیار زیبا و آبرومندانه بود
ولی چون نکات ضعیف اصولی آن کاملا
هویدا بود از زیبایی آن قدری کاسته
بود.

بازی جشن آنروز گرچه از لحاظ
تشریفات بسیار زیبا و آبرومندانه بود
ولی چون نکات ضعیف اصولی آن کاملا
هویدا بود از زیبایی آن قدری کاسته
بود.

بازی جشن آنروز گرچه از لحاظ
تشریفات بسیار زیبا و آبرومندانه بود
ولی چون نکات ضعیف اصولی آن کاملا
هویدا بود از زیبایی آن قدری کاسته
بود.

بازی جشن آنروز گرچه از لحاظ
تشریفات بسیار زیبا و آبرومندانه بود
ولی چون نکات ضعیف اصولی آن کاملا
هویدا بود از زیبایی آن قدری کاسته
بود.

نمضت های ما بر ای رسیدن به هدف اصلی خود باید با اتهامات و خرافات مبارزه نمایند

مقاله وارده

باید همه مردم هم باین گونه افکار
پوسیده پسر برند اما برای ما مشکل است
که مانند پیشینیان و مردم قرون وسطی
شب را بوز و روز را بشت آوریم-
بدون آنکه هدف و ایده آل تکامل
را در دست بیروانیم اینجا است که باید
بخطر خرابکاری هوام فریبان بی برد
و برای مبارزه با آنها قیام کرد.

ما در مقابل ملت و اجتماع
مسئولیت بزرگی را بعهده داریم
در اینصورت هر وظیفه لواقصی را
که در جامعه مشاهده مینماییم
برای بهبود حال ملت خود
گذر داده و راه اصلاح را
نشان دهیم.

این دسته ها و نهضت هایی که با
واکنشهای زنده عده ای روبرو میشوند
باید با قلم و سخنرانی های متوسط با
این عده خرافاتی که موجب اسططاط ملی
ما میشود مبارزه نموده و تا بیل به بد
نهایی از پا نایستند و مبداه کوشش
کنند اینست آئین رستگاری.

دوشیزه ۱۰ ژرفی

بقیه از صفحه اول

دارند آزادی مایه بیداری افکار جامعه
و باعث تسهیل انتخاب آن راهی است
که افراد جامعه باید در پیش بگیرند و
بعد اشاره به تمیید دسته جمعی مردم از
محل خود و اخراج از کارخانه ها و ادارات
آمدند و چنین گفتند «کشور ما از
لحاظ بیکاری غنی است چرا می خواهند
عده تازه ای بر این سیل انبوه بیکاران
بیزارند»

بعد از ایشان آقای ارستجالی از
طرف مطبوعات دم و کرات ایران بیاناتی
کردند و از جمله گفتند «گفته شد
درس هیرت داده اگر در این مملکت
دیکتاتوری برپا شود بهیچ چیز اتمام
نخواهد کرد...»

سپس آقای خلیلی مدبر اقدام صحبت
کردند و اشاره نمودند که ما دست پیش
بیکاران برای فرس کردن و خرید
ده میلیون دلار اسلحه دراز میکنیم در
صورتیکه این اسلحه در مقابل ملل بزرگ
هیچ است.

بعد از آقای خلیلی آقای انبال
نایبند مجلس بصحبت شروع کردند و
در بیانات خود گفتند «وجود شاه و
وزیر و کیل و روزنامه نویس همه
برای آسایش مردم است، گوشه انداز
برای جوان نیست بلکه جوان برای
خدمت او است...»

پس از ایشان آقای حاری زاده
نایبند مجلس کسانی را که در سر
های دیکتاتوری دارند مورد تفسیر
رشد فکری میباشد.

در اینجا دو مسئله مورد دقت است
یکی اینکه این بودجه سنگین از کجا
بوجود آمده و چگونه جور شده که باره
هزینه دبیرستان چندین برابر شده و چرا
تاکنون حیرا مردم را بی خبر گذاشته
است.

و دیگر اینکه این کسر بودجه از
کجا تامین میشود؟
تقریبا نیمی بقیه مخارج مدرسه تعبیلی
است که بطور غیر منطقی و غلط بلت
هدم وجود تشکیلات صحیح (بر مردم وارد
نمیشود. طبق اظهاراتیکه آقای دکتر
منتخب نمود دبیرستان همیشه در فشار مالی
بوده است. چرا این باید يك تشکیلات منظم
و وسیعی داشته باشیم که هم مردم را در
جریان حقایق بگذارد و هم بتواند به
آسانی بودجه مدرسه را فراهم کند. در
اینجا چون میدادیم این کسر بودجه بريك
عده همین و مشخص بلت نبودن آمار
لازمه تعبیل میشود میتوان حدس زد که
نظر مخصوصی در کار است و حیرا در
گذاشتن موضوع مالی مدرسه تسلی
دارد.

بازی جشن آنروز گرچه از لحاظ
تشریفات بسیار زیبا و آبرومندانه بود
ولی چون نکات ضعیف اصولی آن کاملا
هویدا بود از زیبایی آن قدری کاسته
بود.

بازی جشن آنروز گرچه از لحاظ
تشریفات بسیار زیبا و آبرومندانه بود
ولی چون نکات ضعیف اصولی آن کاملا
هویدا بود از زیبایی آن قدری کاسته
بود.

بازی جشن آنروز گرچه از لحاظ
تشریفات بسیار زیبا و آبرومندانه بود
ولی چون نکات ضعیف اصولی آن کاملا
هویدا بود از زیبایی آن قدری کاسته
بود.

بازی جشن آنروز گرچه از لحاظ
تشریفات بسیار زیبا و آبرومندانه بود
ولی چون نکات ضعیف اصولی آن کاملا
هویدا بود از زیبایی آن قدری کاسته
بود.

بازی جشن آنروز گرچه از لحاظ
تشریفات بسیار زیبا و آبرومندانه بود
ولی چون نکات ضعیف اصولی آن کاملا
هویدا بود از زیبایی آن قدری کاسته
بود.

بازی جشن آنروز گرچه از لحاظ
تشریفات بسیار زیبا و آبرومندانه بود
ولی چون نکات ضعیف اصولی آن کاملا
هویدا بود از زیبایی آن قدری کاسته
بود.

دو پرده از اجتماع

مقاله وارده

۱- لقبه های مسانه از هر کوه
و کنار شنیده میشود بطر بهای بی دردی
خالی می گردد از کسرت با آخرین انرژی
خود سعی می کند خاطر مهربان هر پروا
شاد گرداند، رفاه کسرباریک با جاست
و خیر و حرکت اعصاب بدن او همه بیشتر جلب
توجه می کنند، فلکی با آرزاده حادث
در دست مهر و بان میرفتند و صدای هلهله
آنها بانوای موزیک توام شده ممرک
می کنند، بالاخره هر کس بر احوال
خود مشغول است.

۲- زنی که يك طفل شیر خواره در
آغوش بخواب رفته و با دست دیگر از
مللی سه چهار ساله نگهداری می کند
فریاد مینماید.

بغدا برای يك نان دو ساعته
اینجا معطل!

زنان چادری، بچه های مدرسه،
پیر مردان و رنجور مثل گله بی سر برست
بیا هوی فری می بران کرده اند الناس
والنساء، ناله و گریه لعنت و خوشی هیچ
کدام تاثیر ندارد، آنها سراسری و
صاحب دارد.

شاعر فریبکی توجه ندارد و باین
سرود و نشان اهمیت ننیده خیرم
نه کشیده است. ناخوشی، خشکاش و ده
آخته بخت میشود اما!

حالا نوبت خاله ودایی، قهوه چی
و همسایه است سپس نوبت عطار و بقال
میرسد پس از آن هم موقع بهار است زیاد
هم که حرف بزنی باوردنگی و توستری
بیرون می کنند.

این بازرها که اینقدر ترمیشان
را شنیده ایم کجا هستند تا ببینند چطور
مراعات مردم می شود!

کجا بید میکنند چگونه بکده بسی
دست و پا و نظیر برای نان از صبح تا ظهر
معطل می شوند. آخر هم دست خالی
برمی گردند!

من نیدانم مسئول کیست و السی
نقطه برای دو ساعت باغواش و تنوا و بوش
و هر وسیله دیگری... بدکان نانوا بیهای
نزدیک دهوش می کردم تا وضع رقت
بار این فلک زده های بی سر برست را
ببینم.

آقایان مسئولین، آیا این دو پرده
را در یک نمایش بی تون نشان داد!

نورالله صباری

فرار داده و گفتند
در یکست چاپلوسهای متعلق برای
مطامع خودشان میروند و حرفهایی می
زنند و اشخاص را مسخره میکنند...

در ایران پیدا شود...
پس از آقای حاری زاده آقای
چمرچمان مدبر روزنامه ایران نوبیاناتی
ايراد نمودند و سخت نسبت به تمیید
اشخاص اعتراض کردند.

جلسه مطبوعاتی در میان هیجان
فرارانی در ساعت شش و نیم به از ظهر
روز یکشنبه پایان یافت

تلگراف از گرماشاه

طبق تلگرافیکه از کرماشاه رسیده است از طرف سرکلتری آن محل
موجبات رضایت بهودیان بعمل آمده است.
و خود اتحاد و برادری بین کلیه افراد ملت ایران همیشه مورد نظر ما بوده
است ما همواره سعی کرده ایم سوء تفاهماتی که همیشه دستهای خائنین موجب آن
بوده است از بین برود امیدواریم مغایره این تلگراف بر اثر رضایت واقعی بوده
و فشار و تهدیدی موجب آن نبوده باشد.

اطاقهای خود را با میل خوب زینت دهید
میل سازی عدالت برای زینت اطاقهای شما بهترین مهلبا را تهیه
کرده است.
خیابان شاهیور و روبروی میدان سنکلیج اول کوچه ناموس
ش. ۱۰- ۲۲۰

گمک دفتر است

قبل از اتمام پنج بوسيله آقایان موره، مطبوط، شیل زاده، میرونی آریه
و چند نفر دیگر بلتی جمع آوری و بین قراء تقسیم شد گرچه ظاهر این اقدام
خیرخواهانه و دستگیری بقراء است ولی این عملی است موقتی که درود بینوا با را
حلاج نمیکند سرانجامه ما باید فکر اساسی نری کنیم که از عده مستبدان بکاهند

در چندین پیش سابقه ای که بین
دستجات باشگاههای مختلف تهران داده
شد آقای سینا آبلست قهرمان بینک بنک
شناخته شد و بدریافت يك گلدان نقره
پشوان جایزه در سالن کلوب ویا نالان
گزدید.

قهرمان بینک پونک

در چندین پیش سابقه ای که بین
دستجات باشگاههای مختلف تهران داده
شد آقای سینا آبلست قهرمان بینک بنک
شناخته شد و بدریافت يك گلدان نقره
پشوان جایزه در سالن کلوب ویا نالان
گزدید.

قهرمان بینک پونک

در چندین پیش سابقه ای که بین
دستجات باشگاههای مختلف تهران داده
شد آقای سینا آبلست قهرمان بینک بنک
شناخته شد و بدریافت يك گلدان نقره
پشوان جایزه در سالن کلوب ویا نالان
گزدید.

قهرمان بینک پونک

در چندین پیش سابقه ای که بین
دستجات باشگاههای مختلف تهران داده
شد آقای سینا آبلست قهرمان بینک بنک
شناخته شد و بدریافت يك گلدان نقره
پشوان جایزه در سالن کلوب ویا نالان
گزدید.

اسرائیل

دروغای شما خدار

بقیه از صفحه اول

اوسا باقی ناپاک و فاجر و سنگین و تکبر که بی حیانتی با اوزار بعضی از نیاست با ما خودمونی بود سرش را تکیه داده گفت:

«... چطور... تاکنون نفهمیده ام چه چیزی بیچاره که در موندن بود این همه ناز و کوشش را چه جوری بر سر برسیه مگر جنگ سوم شروع شده اوسا باشی که این همه لاش میبوی»

اوسا باقی برای اینکه گفتند درستی دست اوسا دیده چشم هارو بهم گذاشت و گلیت به پای آقا اختیار داد بدینکه که یک چیز منوریه مکه نشانی در مروح موسیلتی کنه بود جنگ یکی از توامین طبیعت است اما این خبر من از جنگ خیلی عجیب تره!

دیشب در نزدیکی بندر یک نینک دریایی پیدا شده یک کشتی را بلیده اما هنوز قورتش نداده تا حالا فقط نصف کشتی را در شکمش جا داده نصف دیگرش بیرون مانده.

مشتری بیچاره از شدت تپید هاش باز مانده و گفت:

«باید بر این جوران عجیب و راناشا کنیم. خلاصه اوسا باشی تا نزدیک ظهر این خبر را برای تمام مشتریها با آب و تاب نموی تشریح کردی»

لردیک تبار اوسا باشی سرش را از دگون در آورد دیند تو کوه شلوغ باوغ فریبی مردم همه سوار الاغ و اسب و قاطر و درشکه و بعضیها هم پیاده دارن میرن روز به بندر اوسا باشی از یکشان پرسید چه خبره!

بارو که خیلی ناگلا بود گفت مجب تو هنوز خبر نداری نموم اهالی ملک با طیاره و ماشینی کشتی از اولر کشور اومدن بندر که بارو نینکه که کشتی را بلیده تماش کنی»

اوسا باشی که میدوست نینک مینگی در کشتار نیست شده مرموزی کرد و اومد تو دگون مشغول کارش شد نیم ساعت و یکساعت گذشت اوسا باشی با نهایت تعجب دید که خیر مردم مثل میل هجوم مبارن بطرف بندر غایت خود آقای سلمونی باشی هم توشک رفت ننگه راست باشا اگر دروغ بودا بشیم مردم برای تماشای تیربارن آلاخره خود اوسا باشی هم دلش قرار نگرفت یک الاغ مصری کرایه کرد و با او راه بندر

البته آقای مدیر نتیجه فقه معلومه هانلی اوسا باشی اینجا معلوم میشه که دروغ خودش هم به خودش مشتبه شد این فقه با خیلی از کارای سیاسی و اجتماعی مارا بطله داره.

پرسید رفت بودم جیرا که از نزدیک با کارای اونا آشنا بشم دیدم به مش مردم بیچاره برای رفتن وقتن امورشان به جیرا اومده بودن آقای رئیس هم با ژست ریاست ما بانه دقیقه بیکاردمش بزرگ نزدیکه میشد منکه سابقه احوال این آقایون اهل حیرا را میدونستم و می دونستم من این تشکیلات رهبرین و طولی جز صورت ظاهر اوسا می مسا جرد بگری نیس و زمان طبل هیکل و صداش کنده و میوش خالی است اما میچون وقت خیال نیکردم که مطلب بنود خبر ایزونم که از کارای خودتون خوب اطلاع دارن مشتبه شده باشه ولی بدینتی اینه که این آقایون اهل حیرا دروغهای خودتون را علاوه به اینکه به مشت مردم بدینتون بارو کردن خودتون هم باور کردن

خود این آقایون هفت به بار سوار میشن برن حیرا ببینن تبار نینک راس باشه و همه هفت هم میرن تبار نینک که نینک مینگی در کار نیس و خبرش همان خرسیه که خودتون سوار کردن و نیس عجیب اینجاس که ماشا از رو هم نیسن هیچ پوس زار کی دارن حالا آقای مدیر از خوشی بگنیزم کنه تو پسند کی منم که این بروت و بلاها را میونیم و بنودم مشتبه شده و خودتای باریک بین شما این مطلبی برین تاجپوشوند

بادا باد ما هم بوسونو کلفت می کنیم چون این خبرهای من اگر منمت نداشته باشه ضررم نداره خدا سایه حیرا روزا سرگدا کنه های ممله و اوزای که سوزن سنج ندرن کم کنه

فرون بجای جیر نم اوسا سلمونی سرگذر

چه نقشه خطرناکی در کار است؟

بقیه از صفحه اول

بنا و بخشش چند فرد نروتند است. بدانش آموزان چنین نهادند انداگر بخشش و نرحم الا ان شخص مشغول باشد در کار برای آنها غیر ممکن است و همه آنها از گرسنگی و برهنگی خواهند بود.

ای وای بر این معیبط پر منجلیبیکه روغهای خطرناک سالوسانه می خواهند حتی روح دانش آموزان را هم سوزند. نندو شهامت و همت افسوس و غیرت را در آنها نابود نمایند.

برای چند درس نالسی و یکدست لباس که بدانش آموزان بی بضاعت می دهند آنها را به منظم و تکریم به تمام و تعلق گویی وادامیکنند.

از اکزون در محصلین چنین تلقین میکنند که روزی دهنده آنها و موجه حیات و زندگی آنها چند متول و سرمایه دار هستند!

باین ترتیب توجه آنها را از منبع اصلی اداره کننده جامعه که خود جامعه و تشکیلات صحیح آن است منحرف میکنند و میخواهند فقط چند نفر را عامل اصلی حیات اجتماعی قلمداد نمایند.

چه تلقینات شوم و خطرناکی! چگونه روح و جسم نولسالان و اطلسال سوده ایکه دارای باطن تابناک و صفاتی هستند برای مقاصد خود زهر آکین می کنند!

این روزها که معادف باید به بیخ است در اکثر مدارس اتحادیه محصلین بی بضاعت لباس داده اند. البته این اقدام خیرخواهانه در این موقع که هر خائزانه ای دل اطلسال خود را خوش میکنند بسیار پندیده است و اول در دنبال این عمل قابل تقدیر و عمل دیگری صورت میگیرد که حسن اقدام قبلی را از بین میبرد و اثرشوی از خود باقی میگذارد. آن تکلیف نینک گویی شاگردان از متولین است.

آن اشعار و سرودهای تعلق آمیزی است که بدانش آموزان برای تجلیل و تقدیر چند نفر یاد میدهند.

آن از بین رفتن شهامت و انکاه افسوس و همت نلس و اراده خود دانش آموزان است.

بجای اینکه با آنها بمانند که اتحاد نیروی افراد جامعه تا بین کنند و وسایل زندگی مردم است، بجای اینکه ثابت کنند که خود اجتماع است که میتواند سادات خود را بوجود آورد، بجای اینکه درس شهامت، درسی ایالت، قدرت، استقامت، طبع، هوش، و رشادت، دلیری، تهور، درستی و میعادت را به محصلین بیاموزند از امروز آنها را بیاطلسی و تعلق گویی وادام میکنند و با آنها چنین یاد میدهند که فقط وجود چند نروتند موجه سادت آنهاست و بایستی دعا برای سلامتی ذات پدال و قیاس آن چند نفر خوانده شود.

اینهمه تجلیل و تکریم اینهمه تعلق و چاپاوسی برای چند نفر که جزئی از وظیفه اجتماعی خود را انجام داده اند چه لزومی دارد!

آیا متولین ما کاری اضافه از وظیفه خود کرده اند؟ اگر

اینکه این عده از مردم این کار را هم نکنند یعنی ذره ای از ثروت خود را که در همین اجتماع بدست آورده اند برای قسمتی از افراد در مانده جامعه ندهند پس چه خاصیتی در این اجتماع خواهند داشت؟ آیا اینها برای اجرای وظایف اخلاقی و وجدانی خود نسبت به جامعه کاری دیگری هم میتوانند بکنند؟

اگر پول ندهند پس چه میتوانند انجام دهند؟

خدمت به جامعه و کمک در راه بهبودی بخشیدن با اوضاع اجتماع وظیفه هر نس است.

کسیکه وظیفه خود را انجام داد نباید مورد تعلق و بیش از حد مینوی مورد تقدیر و تکریم قرار گیرد زیرا فقط وظیفه خود را انجام داده است.

این اعتراض مانده برای این است که نباید از خدمتگذاران جامعه تشویق کرد بلکه بالعکس اشخاص وظیفه دان و مفید بحال جامعه باید مورد تقدیر و تشویق قرار گیرد ولی آن تشویق و تقدیر نباید بصورت تعلق در آید، نباید وسیله از بین بردن همت و شهامت دیگران قرار گیرد. تشویق بایستی بمنظور ترفیع شخص بادامه خدمت اجتماعی و وادار کردن دیگران به پیروی از عمل خیرخواهانه بعمل آید نه بمنظور بت تشریح و وادار کردن مردم به بت پرستی.

هر موجودی دارای خاصیت یا خواصی است که بایستی در راه مصالح جامعه و سعادت و اعتلای اجتماع مورد استفاده قرار گیرد، اگر کسی از خاصیت و هنری که دارد در راه جامعه منافع نهد خطا کار و باغی نسبت وظیفه اخلاقی و وجدانی و اجتماعی شناخته میشود.

حال آیا اگر همه ای برای حفظ آبروی جامعه خود و یا برای کمک بدهای دانش آموز بی بضاعت چند تومانی برای تهیه لباس و شورا داده اند آیا انانی علاوه بر وظیفه نوده اند!

با این رویه نامطلوب اینکه عده ای برای مسوم کردن باطن و روحیه پاک دانش آموزان پیش گرفته اند چنین نتیجه بدست میاید که فقط ثروت و متول است که موجب ترفی جامعه و نجات اشخاص میگردد! با این نوع تفکر و استلال باید سنت جنبکیده و بطلان آنرا باید ثابت کرد. زیرا نیروی خود جامعه نفاکاری و غیرت افراد اجتماع است که موجب ترفیات میشود، فرهنگ و تشکیلات صحیح جامعه است که سبب سعادت و تنالی مردم میگردد نه ثروت و پول ثروت خود معمولی است. از نیروی اجتماعی که ایجاد کننده آن در این موقع که وارد ایام تاریخی خود میشود باید توجهی به رویه و صفات و خصایل پیشوای مقدس خود حضرت موسی (ع) داشته باشیم. آنگرد بزرگ در تاریخترین روز گارهای بشری برای نشان دادن راه نجات، برای سوق دادن جامعه در طریق نجات و تنالی برضد دودسته جاه باطل و فاسد «زور و زر» قیام کرد اول در سایه مبارزه و شهامت علمی و فطرت و زور فوق العاده فرعون برای رهایی اسیران دست باغلاب مقدس زد و بعد برای اثبات اینکه «زر» موجب نجات نیست علیه «قارون» و وطنه او و علیه دارایی و مایملک او اقدام کرد و از این راه فهماند که «زور و زر» دو عامل فاسد در دست غارتگران برای نابود کردن جامعه میباشد و راه نجات در اتحاد اجتماعی و فرهنگ و تشکیلات صحیح است.

در پناه این تشخیص درست راه آزادی و وارستگی و نجات را بجایمانه نشان داد و تاریخ درخشانی برای قوم خود ایجاد نمود. آیا متصدیان امور اجتماعی ما که خود را مقید باد و سنن مذهبی میدانند از این حقیقت تاریخی اطلاع دارند و حاضرند از سنت پیشوای مقدس خود پیروی کنند!

«۱۵۵۵»

شرکت سهامی چاپ

مشاهدات در همدان

بقیه از صفحه اول

آوردی در آنجا محسوس است کثرتی در شاش و ذوق نرحمیکه شده و جنبش سرورانه می توان در همدان دید اینست که اغلب مسافرین نمیتوانند پیش از چند روز در آنجا توقف کنند.

فرهنگ همدان از لحاظ فرهنگ و وسایل لازم آن یکی از بهترین مناطقی است در ایران که اسرالتها آن تراست اندلسیت بسیار شهرت یافته از برای فرهنگ آن بهتر برهمنده شوند زیرا اولاً هلاله حیرا و مردم آنجا (مقایسه با سایر نقاط) با مردم فرهنگ بیشتر است و ثانیاً ایالت و کاردانی و کلیات «امام و مسیولور» مدبر و مدبر فنی دبیرستانهای دخترانه و پسرانه با اندازه ای است که رونق فوق العاده ای بدبیرستانهای اتحاد همدان داده شده است.

دبیرستان اتحاد از لحاظ تشکیلات و ساختمان و نظمی که در آن حکمفرما است یکی از بهترین دبیرستانهای اتحاد ایران است.

خصوصاً هلاله و صحنه جیتی که دبیران بتوسعه فرهنگ این ایالتی ایران دارند خود موجهی است برای پیشرفت فرهنگ اسرالت همدان.

مدیر دبیرستان فنی همدان که یکی از بهترین مامورین مؤسسه آلیانس در ایران بشمار میرود دارای سابقه خدمت گذاری در خشتای برهنه بود ایران است.

تقریباً از ۱۸ سال پیش که چند سالی مسئولیت دبیرستان اتحاد کرمانشاه را برعهده داشتند کلیات وجدیت فوق العاده ای از خود نشان داد که خاطر سه فراموش نشدنی در مرموز دل اهالی کرمانشاه ام از اسرالت و غیر اسرالت از خود بجای نهاده است.

انگن نیز این عنصر دلسوز با کلیات که مسئولیت دبیرستان اتحاد همدان را برعهده داشتند شایسته خود همان رویه نوع پرورانه سابق خود را در تربیت فرزندان مردم و توسعه امور فرهنگی ادامه میدهند از این لحاظ می توان آینه بهتری را برای همدان در نظر گرفت.

ولی از یک لحاظ بایستی دبیرستان های اتحاد همدان مانند سایر مدارس اتحاد ایران با احتیاط و دقت بیشتری مواظب آن ها بود زیرا چنانکه بارها در این روزنامه اشاره شده است در طی یک نوع تبلیغات عوام فریبانه ای آن علو طبع و همت نلس و شهامتی که باید هر دانش آموزی از دوران تحصیل کسب کند و برای مبارزه مراد در میدان پر غوغای زندگی آماده شود میگویند از بین ببرند و شاکردان را انگلی و تعلق گویند آورند - اثرات کسی از این حالت خطرناک در بعضی از دانش آموزان مشاهده میشد در شب جشنی که برای پوریم برپا شده بود و از سرودهاییکه خوانده میشد و از طرز ادای کلمات و جملات و حالت ایستادن دانش آموزان مشهود بود و اثرات آن تبلیغات شوم و سوق دادن محصلین بسوی تعلق گویی هویدا بود ولی انتظار می رود با بودن شخص شایسته و با کلیاتی مانند مسیولور در راه دبیرستان اتحاد همدان از این خطر که متوجه روحیه دانش آموزان است یکمک سایر عناصر مترقی خصوصاً جوانان همدان جدا جلور گیری شود.

از نخستین روزهای زلزله خوش

چیزی بیاد ندارم تنها یاد بود شیرین من همچون جراحیکی از خورسو سومین در اعماق قلبم بجای مانده است میدانم که آن زمان آن ایام با نشاط و طراوت جوانی که با فرشته خوشبختی هم آغوش بودم چقدر خوش و باصفا بود.

اوه پروردگارا هنوز موقتیکه بیاد آن زمان میانم ناله سر میدهم و فلان میکنم بگردد و ناوای خود افسوس میخورم و بدان ایام اشک حسرت میبارم راستی چه بد بخت!

خداوند دیگر حوصله ام از دست این باره گوشت سرخ چون آلود بسز آمده دیگر صبر و شکیب ندارم که این همه رنج و سختی زلذکی را تحمل کنم احساس میکنم که دیگر همه جای بهشت و گیتی را تماشای نموده ام چه خوب بود که امر میفرمودی مرا بجای برند که تا حال ندیده باشم هنوز ظنین سختم در گوشتم بود که صدای آهسته ای شنیدم که میگفت: «بیاد بدینتی» بیا بیاین کودک بی

«باغ»

بقیه از صفحه اول

آن روز شام و لرخته شام روز سال عید پس در نظر گرفته اند، برای این روز در دو نطقه از بهترین نقاط خوش آب و هوا دو باغ یکی بنام «الفسر» برای شایسته دیده اند. بر خلاف سابق در این روز انواع سرگرمیها و وسایل تفریح و موجهات سرور عمومی فراهم شده است. لاری، شیشه شب بازی، تیراندازی، موزیک و آرکستر، پار و انواع ماکولات و مشروبات و سایر تشریفات مشغول کننده تهیه شده است.

بایش بینی هائیکه شده است انتظامات آنروز از هر حیث بی سابقه است که شایسته می تواند با کمال راحتی خاطر بگذرد خود مشغول باشید و وسایل نقلیه بدکالی در نقاط مختلف فراهم شده است.

انتظار می رود با مرامات و نظایب خود در اینجاها و حفظ نراکت و نظام و درقبال زحمتی که برای آسایش و تفریح و تفریح و تفریح شده اند شایسته نیز برای داشتن بکروز نشاط انگیز و تفریح با دوستان خود کمک کنید. در سوار شدن ماشین صباه نکنید، بدرخشا دست نزنید و شاخه های آن را نشکنید. کلیات و چمن ها را با خیال نکنید و سبب خرابی و خسارت نشوید. آرامش و نظم را در نظر داشته باشید در مرفه مراجعت بشهر مطمئن باشید وسایل با اندازه کافی در اختیار هست و با کمال سرعت و راحتی شایسته بشهر می رسد. محل باغ افسر به در قلهک خیابان دولت زیر سلطنت آباد و محل باغ دشت الملک نرسیده به تشریش کوچه فردوس و ویرونی هتل و بلا ایستگاه اتوبوسها

خیابان سیروس مقابل دارو شاه بین الللی چهارراه یوسف آباد مقابل چاپخانه بوستانی دروازه شیران بل جوی دروازه دولت مقابل بسپ بنزین برای جلوگیری از ازدحام در جلو در باغ قبلا بلیط را از محل های زیر خریداری کنید:

بت حالوتس خیابان سیروس دفتر روزنامه اسرالت مغازه شمس لاله زار چاپخانه بوستانی چهارراه یوسف آباد مغازه تول خیابان فردوسی جنب سینما ها

اظهار تشکر

بدینوسیله از مادموازل و اندام مدیر محترم خیابان هلاله دبیرستان اتحاد که در تعلیم کارهای دستی با دوشیزگان کمکهای قابل توجهی کرده و زحمت زیادی متحمل شده اند تشکر و سپاسگذاری مینمایم و سعادت و پیشرفت این دو گروه اوعوضت و الوعبرور را از ایزد متعال خواستارم.

و بولت سنجی کردستانی - مویح سعیدی - طوبی یاشار اول سارا کهن

اعتذار و تبریک

اگر بدید و باز دید عده ای از دوستان موقت نکردیم بدینوسیله عذر خواهی نموده تبریکات صمیمانه خود را تقدیم، موفقت و شادمانی کلیه دوستان را از ایزد متعال خواستارم.

تشکر

چون جناب حاجام بدیدیا شوقی که از مردان غیر و روحانی شایسته جامعه ما هستند و در امر خیری مساعدت و خدمت بزرگی نسبت بیک خانواده جدیدی نمودند بدینوسیله از ایشان تشکر میشود و موفقت ایشان را در امور ملی و اجتماعی خواهام.

ش ۱۰-۲۲۸

عبدالله هندی زاده

مژده

برای تهیه بهترین کارت های تبریک با عکس و عکسهای بزرگ قابلی و عروسی بکاخخانه ادیبون در خیابان لاله زار نو مراجعه نماید و همچنین شیک ترین لباسهای عروس و داماد هم برای رفاه حال مشتریان محترم مهیاست.

ش ۱۰-۲۲۹

تبریک

بناسبت حلول پسخ تبریکات صمیمانه خود را بسوم برادران اسرالت و دوستان گرامی تقدیم داشته بقی ایشان را از خداوند متعال خواهام و اگر در این ایام بواسطه ازدیاد مشغله نتوانستم بعضی از شما را تبریک بگویم مینوامم.

ش ۱۰-۲۲۶

ابراهیم زر

عرض تبریک و تشکر

بدینوسیله عید سعید پسخ را بسوم همکیشان محترم شایسته کله و یوزیه از دوستان معظمی که باین مناسبت نسبت با بنجاب ایزد اظرف فرموده اند اظهار تشکر و امتنان مینمایم.

ناظم دبیرستان اتحاد تهران - عبدالله دوقیان

ش ۱۰-۲۲۵

(دل سرگشته)

صبر را بدان جانی که میخواهد بپوشد ملائکه ای بال و پر زمان پیش رویم فرود آمد و گشت بیا بیا بدانیای روییم که خواسته بودی دستم را گرفت و برآه افتاد

بشپها و بلندیها و بیج و شم های بسیاری و ایوبودم شاه چین و خمهای راه بر گوله ها و صلعه پیشالم رفتن رفتن نقش بسوی از منم فریاد بر آوردم ای فرشته زیبا مرا بکجا میبری دیگر کسی است گردش خوبی کردیم بیا تا باز کردیم در جوامیم گفت چیزی دیگر نمانده است بیانا خواسته بر از مار دلیانو تا بیا بین نگاه کردم کودال کوچکی بود کلام اینچا چه نام داده گفت از ترس لرزیدم و بناله گفتم دوشیزه بدی است یودینان